

پروفیسر حسین سناپور

پتہ

پتہ

# آتش حسین سناپور



پتہ

www.ashraf.com

ashraf.com

ashraf.com

پتہ

۱

ای کرم‌پودر لانکوم، چاله‌چوله‌هام را بیوشان لطفاً. ای خط‌لب ایوسن لورن، نشان‌شان بده تمام لب‌هام را، تمامش را. ای کوکو شانل، ای کوکو شانل، که من را می‌بری به باغ‌های پُر از شیرینی و پُر از خنکی، از خنکی باغ‌ها ت پُر م کن. خواهش می‌کنم، تمنا می‌کنم، پناه بدهید به من همه‌تان. کاری بکنید از خودتان بشوم، اصلاً شما از من بشوید، ای کشیده‌گی شلووار زارا، ای برازنده‌گی پالتو بیتون. دارم خفه می‌شوم با این پالتو. خفه‌گی‌اش اما می‌ارزد. مرا پناه دهید ای چراغ‌های مشوش / ای خانه‌های روشن شکاک / که جامه‌های شسته در آغوش دودهای معطر / بر بام‌های آفتابی تان تاب می‌خورند.

آهان! آهان! حالا، حالا، ببینید چی شدم! ببین چی شدی! هوم! آینه‌ی برنزی قدیمی پیدا شده در سمساری، خوب نگاهم بکن! ببینم، بدرخشانم! همه‌تان بگویید: درخشش از آن تو باد، ای لادن! خاکسار کنید این مردان ندیدبدید را برای من امشب! زنگِ درِ خانه، یعنی چی؟ از همان توی آینه و از چهارچوب درِ اتاق خواب به جایی که در باید باشد نگاه می‌کنم. سر می‌چرخانم از روی شانه. یعنی کی؟ همسایه؟ دوباره زنگ می‌زند. زنگِ بی‌موقع یعنی دل‌شوره، یعنی خبر بد، یعنی مسئله. یک پیغام که امشب آن جا نروم؟ می‌روم، می‌روم. باید آن جا باشم، باید پیروزی‌ام را بکنم توی چشم‌شان.